رسانه و سینما

دو روز بعد ۱۶

نگاهی به اجرای گروه خورشید ... ۱۷

ادبیات و کتاب

یک قدم فراتر از فرهنگ سنتی ... ۱۸

از پشت شیشه‌ها به خیابان ۱۹

حکمت و اندیشه

فمینیست‌ها و سیاست قدرت ... ۲۰

سوگند می‌خورم حقیقت را بگویم .. ۲۱

تاریخ

شاعر زندگی روزمره ۲۲

از خانه برون آمد و بازار بیاراست

گزارشی از داوری اولین جشنواره کودک جهان اسلام

نلی محجوب

نقش و رنگ بود بر زمینه‌ای که کودکان با تمام وجود خود و خدایشان را به تصویر کشیده بودند. گاه از بین این تصاویر فقط تصویرهای کعبه بود و گاه دستی از میان ابر برآمده تا دست کودک را بگیرد یا فرشتگانی را می‌دیدند که در آسمان دل کودکان به پرواز درآمده بودند و نردبانی که از آن بالا می‌رفتند تا دست خدا را بگیرند یا او را در میان ابرها ببینند و یا صفحه‌ای نورانی و . . . دهم مردادماه، موزه ظروف مجموعه فرهنگی- تاریخی کاخ سعدآباد میزبان نقاشی‌های کودکان با موضوع من و خدا بود. داوران نخستین جشنواره بین‌المللی نقاشی کودک جهان اسلام در میان نقاشی‌هایی که زمین موزه را مفروش کرده بودند قدم می‌زدند تا در نگاهی کلی همه آثار را ببینند و با دیدی کلی به داوری بپردازند. نخستین جشنواره بین‌المللی نقاشی کودک جهان اسلام، با شرکت ۷هزار اثر از کودکان ایرانی و دو هزار اثر غیرایرانی در سه مرحله مورد داوری قرار گرفت.

این امر که در راستای پرورش خلاقیت و نوآوری در زمینه بروز استعدادها و کم کردن فاصله و ایجاد زمینه‌ای فرهنگی برای ارتباط و همبستگی میان کودکان جهان اسلام صورت گرفت با فراخوانی از اسفندماه ۱۳۸۴ از طریق مجله هنری تندیس و رسانه‌های ملی آغاز شد و با دریافت آثار از ۱۵ فروردین ماه سال جاری آغاز شد و تا اواخر تیرماه ادامه یافت و کودکان ۶۰ کشور جهان آثارشان را با موضوع تعیین شده به دبیرخانه ارسال کردند.

مرکز گسترش هنرهای قرآنی و موسسه فرهنگی هنری مکعب هنر برگزارکنندگان این حرکت فرهنگی‌اند و فریدون مردانی دبیر جشنواره می‌گوید: در شهریورماه سال جاری این جشنواره با همکاری و حمایت وزارت آموزش و پرورش، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، معاونت هنری سازمان فرهنگی هنری شهرداری تهران، سازمان بهزیستی، سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی، کمیسیون ملی یونسکو، کمیسیون ملی آیسیسکو، مجموعه فرهنگی تاریخی کاخ سعدآباد، قوه قضائیه، اداره پست، معاونت اجتماعی و ارشاد، ناجا، نشریه تندیس و دیگر مجلات تخصصی هنری برگزار می‌شود.

در راستای برگزاری این جشنواره نیز طی هماهنگی با معاونت هنری شهرداری تهران در تعدادی از فرهنگسراهای تهران از جمله نوجوان، قانون، هنر و خاوران از کودکان دعوت شد تا با حضور در این مکان‌ها نقاشی‌هایشان را در کارگاه‌ها ارائه دهند و آثار برتر را به دبیرخانه جشنواره ارسال نمایند. اما با توجه به استقبال کودکان ارسال آثار کودکان ایرانی ده روز تمدید شد و به سایر کشورها نیز برای ارسال آثار مهلت بیشتری داده شد.

در یک بررسی کلی بین آثار کودکان ایرانی با سایر کودکان جهان، کودکان کشورمان از نظر دید بصری از قوت بیشتر برخوردارند و این کودکان در انتخاب سوژه، رنگ و تکنیک‌ها قوی‌تر عمل کرده بودند. مردانی می‌گوید: بچه‌ها گاهی خدا را به گونه‌ای متفاوت از دید بزرگ‌ترها دیده‌اند. یکی از این کودکان ۵ساله در یک صفحه همه‌چیز کشیده بود؛ وسایل اتاق، شانه، پدر، مادر و . . . وقتی از او پرسیدم اینها چیست و خدا کجاست؟ در پاسخ گفت: یعنی شما متوجه نمی‌شوید من از خدا تشکر کرده‌ام که این همه چیز به من داده است. برخی از کودکان هم در پشت نقاشی‌هایشان، توصیف‌هایی از اثرشان را نوشته‌اند، توضیح داده‌اند و گاه داستان نقاشی را نوشته‌اند. با گام زدن در میان نقاشی‌های چیده شده به واقع به تنوع نگاه و احساس کودکان نسبت به خدا پی می‌بریم. اما بحث اصلی برای داوران تسلط برتکنیک، اثر خلاقه بدون دخالت مربی و والدین، آزاداندیشی و کلیشه نبودن آثار است و داوران عشق و علاقه و توانایی فردی کودکان را مدنظر قرار می‌دهند. بنابراین در همان مرحله اول داوری تعداد زیادی از آثار حذف می‌شود. آثاری که با موضوع بی‌ربط بودند و نقش مربی در آنها به چشم می‌خورد و آثار کلیشه‌ای نیز از دور داوری کنار رفتند. داوران در میان آثار به نقاشی‌هایی برمی‌خورند که در خط‌گیری‌ها استفاده دست قوی خودنمایی می‌کند که هماهنگ با گروه سنی و خود اثر نیست، یا تزئیناتی که کار گروه بزرگسال است و در حقیقت بزک‌های غیرخلاقه که نقش تزئین گرایانه دارند و سبب خفگی کار می‌شود و در نهایت اینگونه آثار کنار گذاشته می‌شوند.

در بین آثار سوژه‌های جالبی به‌چشم می‌خورد اما خالق اثر عقب‌تر از سن خود قرار دارد. به عنوان مثال در مورد یکی از آثاری که در نگاه اول مربوط به نقاشی گروه سنی ۴-۳ سال بود ولی در بررسی سنی مورد قبول قرار نگرفت. ماتیسا کازرونی یکی از داوران می‌گوید: با توجه به نوع نقاشی که سر به بدن چسبیده ابتدا پذیرفته شد ولی به‌خاطر سن نقاش که ۶ساله بود از دور داوری خارج شد چون در این سن بدن باید کامل شده باشد. کازرونی در خصوص برخی دیگر از آثار خارج شده از دور داوری می‌گوید: خانه خدا به صورت کلیشه‌ای در بسیاری از آثار بدون هماهنگی با اثر دیده می‌شود. یا حرکت بعضی از بچه‌ها عقب‌تر از سن‌شان است. وی با تاکید بر مواد اولیه مصرفی نقاشی کودکان می‌گوید: گواش و پاستل روغنی باعث بهتر شدن اثر خواهد شد که نقش مربی خوب را نشان می‌دهد. در بین آثار حذف شده در دور اول بسیاری از آثاری که با مدادرنگی نقاشی شده بود حذف شد. کازرونی می‌گوید: مدادرنگی اصلاً برای بچه‌ها مناسب نیست. وی معتقد است بچه‌ها یک ساعت زمان مفید برای کار دارند، و به دلیل نوک کوچک مدادرنگی آنها نمی‌توانند کار را کامل کنند. بنابراین ضعف بیشتری در این آثار دیده می‌شود.

داوران در خصوص حذف تعدادی از این آثار با توجه به مناطق ارسالی می‌گویند: این کنار رفتن باعث می‌شود تا بچه‌ها و مربی‌ها به ضعف‌های خود پی ببرند و متوجه شوند که کجای کار آنان ایراد داشته تا اصلاح کنند.

همینطور که در بین آثار پیش می‌رویم کازرونی، سیف‌اللهی‌فر و واحدی که کارهای گروه سنی ۷-۴ سال را بررسی می‌کنند در خصوص کارها به گفت‌وگو ادامه می‌دهند. آنها در برخی آثار ردپای مربی را می‌بینند ولی این محدوده را تا مرحله آموزش مجاز می‌دانند تا جایی که حقنه‌ای در کار نباشد. اما می‌توان از تقلید کودکان از یکدیگر چشم پوشید چون وقتی در کنار یکدیگر قرار می‌گیرند از هم تاثیر خواهند گرفت. اما به هر حال بخش خلاقه آثار از اهمیت خاصی برخوردار است و آثار دیگری با بافت و فضای شلوغ کنار می‌روند. کازرونی به کار دیگری اشاره می‌کند که با پاستل نامرغوب اجرا شده و همین را باعث افت اثر می‌داند. قدم برمی‌داریم و به آثار دیگری می‌رسیم. داوران با اشاره به حرکت، حالت و اندازه، تقسیم‌بندی فضا، ریتم و تکرار فرم که نشان‌دهنده خلاقیت اثر است برخی از آنها را انتخاب می‌کنند. هرچند در میان آثار نقاشی‌های خوبی به‌چشم می‌خورد اما کلیشه‌ای و گاه خارج از موضوع بودن اثر سبب حذف از دور اول داوری می‌شود و در نهایت آنچه در داوری آثار این گروه در این دور باقی می‌ماند ترکیبی از رنگ، ترکیب‌بندی و عرفان و خداست.

اکرم شاندیز و شراره زندیان دور اول داوری کودکان ۷ تا ۱۲ سال را برعهده دارند. شاندیز که از سال ۵۴ در مرکز عمومی دولتی و خصوصی به کار آموزش کودکان مشغول است و تاکنون در داوری مسابقات و جشنواره‌های متعدد شرکت داشته در خصوص این آثار می‌گوید: اعمال نظر، الگوسازی و نمونه‌گذاری در آثار گروه سنی ۷ تا ۱۲ سال به‌چشم می‌خورد که این شبیه‌سازی به دلیل عدم حضور مربی متخصص صورت می‌گیرد و همین امر سبب می‌شود تا تنوع و خلاقیت این آثار کمتر شود. وی با اشاره به مرحله رشد ذهنی کودکان می‌گوید: گرایش طبیعی آنان از سنین ۱۲ تا ۱۳ سالگی اتفاق می‌افتد اما فشار والدین و سیستم آموزشی غیراصولی مقطع ابتدایی مدارس سبب شده تا این اتفاق در سنین پایین‌تر یعنی ۸سالگی صورت بگیرد که بچه‌ها زیر این فشار و آموزش غیراصولی به شبیه‌سازی روی می‌آورند و به عنوان عامل بازدارنده و خلاقیت محسوب می‌شوند. وی با تاکید بر آموزش توسط مربیان متخصص و ایجاد فضای مناسب می‌گوید: اینگونه می‌توانیم شاهد رشد و بالندگی در آثار کودکان باشیم. وی می‌افزاید: فعالیت‌های هنری کودکان جایگاه مناسبی جهت پرورش خلاقیت است و توجه به این امر را از طرف آموزش و پرورش و مراکز آموزشی ضروری می‌داند. شاندیز که سری هم به آثار کودکان ۷-۴ سال می‌زند می‌گوید: نباید در این گروه سنی آثار را خیلی سریع کنار گذاشت و تصمیم گرفت. بررسی این آثار باید با تمرکز بیشتری صورت بگیرد. وی قضاوت برای کار کودکان زیر این سن را مجاز نمی‌داند و معتقد است باید تعداد بیشتری از بچه‌های این گروه سنی پذیرفته شوند و مورد تشویق قرار بگیرند. وی با تاکید بر روحیات این گروه سنی و با توجه به سابقه کاری‌اش در مراکز عمومی و کارگاهی می‌گوید: همه بچه‌ها باید مورد تشویق قرار بگیرند حتی اگر بتوان کار و اثر آنها را فقط روی دیوار برد. شاندیز همچنین برگزاری جشنواره‌های نقاشی را با توجه به ارائه پیام‌های فرهنگی برای ایجاد تحرک موثر و مفید دانست و در همین حال امکاناتی که همه شرکت‌کنندگان را مورد تشویق قرار دهد را موثر و تاثیرگذارتر و این شیوه را امیدوارکننده‌تر می‌داند تا هیچ کودکی از انتخاب نشدن سرخورده نشود.

شراره زندیان هم درخصوص آثار کودکان می‌گوید: خلاقیت در بسیاری از آثار به چشم می‌خورد و آزاداندیشی در کارها دیده می‌شود. اما این بچه‌ها همه با عشق و علاقه کار کرده‌اند و برخی از آنها توانایی‌های خاصی را ارائه دادند که نشان‌دهنده تسلط آنها بر تکنیک بوده است. داوران پس از بررسی آثار در مرحله اول داوری به گفت‌وگو نشستند. آنها به اتفاق آثار کودکان ایرانی را نسبت به کودکان خارجی موفق‌تر دانستند و به دلیل آثار خلاقه در گروه سنی ۴ تا ۷سال برای اهدای جوایز تعداد بیشتری از کودکان این گروه سنی را مستحق دانستند. مریم سیف‌اللهی‌فر یکی از داوران جشنواره که از سال ۷۱ به صورت حرفه‌ای به آموزش نقاشی کودکان مشغول است، درخصوص اندیشه‌های این کودکان که در آثارشان نمود دارد گفت: بچه‌های شهرهای مذهبی اغلب نگاهی سنتی داشته‌اند. اما در شهرهای دیگر بچه‌ها خدا را بیشتر در زندگی روزمره‌شان دیده‌اند و خود را در کنار خدایشان راحت‌تر تصویر کرده‌اند و از کلیشه دورتر بوده‌اند و حسی ملموس ارائه کرده‌اند و این بسیار مهم است که بچه‌ها در نقاشی از کلیشه‌ها دور بمانند و حس خود را راحت‌تر به تصویر بکشند.

پدرام شاکری از دیگر داوران جشنواره و عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی است. وی که برگزیده چهارمین بی‌ینال نقاشی معاصر ایران است و مسئولیت هماهنگی داوران را بر عهده دارد می‌گوید: به دلیل اینکه وضعیت آثار ملاک انتخاب است همین امر انتخاب را دشوار می‌کند، اصولاً قضاوت کار دشواری است خصوصاً در گروه سنی پایین‌تر و با توجه به سابقه داوری در گروه سنی کودک و بزرگسال این کار در گروه سنی کودک دشوارتر خواهد بود. وی با توجه به نگاه جدید کودکان در آثارشان می‌گوید: یکی از نقاط مثبت در این نمایشگاه دستیابی به نگاه جدید در آثار کودکان است که به وفور دیده می‌شود. در حقیقت نوع نگاه‌ها تغییر کرده است و فرصتی برای این نسل در ارائه آثار خلاقه وجود دارد و می‌توان به آنها امیدوار بود که به موفقیت‌هایی دست پیدا کنند.

وی با اشاره به ملاک داوران بر خلاقیت آثار افزود: هیات داوران در اولین بررسی خود خلاقیت کار را مدنظر داشت و در این چند ساعت کارهای خوبی از نظر تکنیک و خلاقیت انتخاب شده‌اند.

شاکری آموزش غلط را یکی از عوامل بازدارنده خلاقیت عنوان کرد و گفت: به نظر می‌رسد بخشی از آثار ماحصل آموزش اشتباه در سیستم آموزش و پرورش است که سبب سوق دادن کارها به سمت کلیشه می‌شود و تعدادی از آثاری که از داوری خارج شده‌اند ماحصل همین شیوه غلط هستند.

وی افزود: در دوره ابتدایی روی بعد خلاقیت اثر کار نمی‌کنند. به عنوان مثال منظره، کوه و خانه در همه کارها یکسان است. اما در مراکزی غیر از مدارس بعد خلاقیت بیشتر است. این عدم خلاقیت از نکات بسیار مهمی است که باید به آن توجه شود زیرا کارهایی که از مدارس رسیده به شدت گرفتار این مسئله هستند که باید این مشکل برطرف شود. مه‌ناز واحدی یکی دیگر از داوران جشنواره که ۱۲ سال آموزش نقاشی کودک را در سابقه کاری دارد می‌گوید: بچه‌ها ذهنی آزاد دارند که باید به آنها مجال بروز داده شود. وی با اشاره به دخالت مربیان می‌گوید: تا جایی که بحث آموزش مطرح باشد مجاز به دخالت هستند و از آن به بعد پس از فراگیری تکنیک باید اجازه دهند تا کودکان خود به تنهایی کار کنند. در بسیاری از این آثار جای دست بزرگسالان دیده می‌شد که خود سبب حذف آثار شد.

ماتیسا کازرونی که تاکنون داوری چند جشنواره کودک از جمله استدلر، هانس کریستین اندرسن و جشنواره اصفهان را بر عهده داشته، بر استفاده از مواد به کار گرفته شده و تکنیک تاکید دارد و می‌گوید: باید مربیان بدانند که چه موادی را با چه کاغذی در اختیار کودک قرار دهند و این اولین قدم در آموزش محسوب می‌شود که در کودکان زیر ۷ سال مهمترین مسئله در امر آموزش است که در بین آثار ارسالی از این نظر ضعف‌هایی دیده شده و در مورد وسایل وضعیت خوبی را نمی‌بینم.

■ داوری پس از دور دوم

در جلسه‌ای که داوران پس از دور دوم داشتند همه معتقد بودند که کار دشوارتر می‌شود. انتخاب از بهترین‌ها مطرح بود تا آثار نهایی انتخاب شود. در این دور که از بین کارهای ارسالی ۲۲۰ اثر در گروه ۷-۴ سال باقی مانده بود، داوران باید ۷۰ اثر را از دور داوری کنار می‌گذاشتند و در ۱۵۰ اثر باقی مانده برای مرحله سوم آثار برتر را انتخاب می‌کردند. در حقیقت از میان آثار این کودکان، ۱۵۰ نفر به عنوان نفرات برگزیده باید انتخاب می‌شدند. از طرفی به علت ضعف شدید در آثار خارجی تصمیم گرفته شد به آثار داخلی تعداد جوایز بیشتری اختصاص یابد. آن هم به آثار کودکان ۴ تا ۷ سال. بنابراین به دلیل روحیات خاص کودکان در این سن، قرار شد تا ۶ نفر از این گروه به عنوان برگزیده انتخاب شوند و جوایزی به آنها تعلق گیرد و علاوه بر آن به ۴۸ نفر جوایزی به عنوان جایزه ویژه هیات داوران اهدا شود. اما در بخش جوایز کودکان ۷ تا ۱۲ سال، سه عنوان و برای بخش بین‌الملل هم سه جایزه در نظر گرفته شد.

صغری زارع از دیگر داوران جشنواره کودک جهان اسلام، که مدرس دانشگاه آزاد اسلامی و عضو هیات مدیره انجمن نقاشان است، در دور دوم به داوران پیوست و پس از نگاه به آثار کودکان که در گوشه گوشه سالن موزه زمین را مفروش کرده بود درخصوص آثار می‌گوید: مشکل سیستماتیک در نحوه آموزش به چشم می‌خورد. خوشبختانه در سال‌های اخیر با حضور اساتید و دانشجویانی که راغب به کار با کودک هستند، شاهد تحولی در این عرصه بوده‌ایم. وی در ادامه با تاکید بر آموزش صحیح که سبب رفع معایب و پرداخت صحیح و رشد آثار می‌شود، می‌گوید: فقر آموزشی در زمینه هنر کودکان بیشتر در آموزش و پرورش به چشم می‌خورد. یعنی با ورود کودکان به سیستم آموزش و پرورش خلاقیت در آثار کاهش پیدا می‌کند و چه بهتر که این سیستم برای رفع این نقایص از اساتید باتجربه در این عرصه استفاده کند. وی در ادامه می‌افزاید: در حال حاضر مشاوره‌ها و روش‌های تحقیق در برخی مراکز از جمله انجمن نقاشان در حال بررسی است و بحث آسیب‌شناسی آموزش کشور در بخش ویژه مورد ارزیابی و بررسی قرار می‌گیرد. با چنین پیگیری‌هایی در آینده نزدیک شاهد ارائه برنامه‌هایی موفق خواهیم بود.

فریدون مردانی دبیر جشنواره که پیش از این دبیر سومین جشنواره بسم‌الله و مدیرهنری مرکز گسترش هنرهای قرآنی بوده و ۱۱ سال سابقه تدریس در آموزش و پرورش را دارد درخصوص داوری آثار می‌گوید: داوران در انتخاب گروه سنی ۴ تا ۷ سال به دلیل وجود خلاقیت بالا متفق‌القول بودند که تعداد کارهای برگزیده این سنین باید بیشتر باشد.

از طرف دیگر در بخش آثار بین‌الملل به دلیل عدم رعایت سن شرکت‌کنندگان و خارج بودن از موضوع، تعداد زیادی از کارها کنار گذاشته شد و اصولاً ضعف بیشتری در این بخش به چشم می‌خورد.

اما در داوری جشنواره نقاط ضعفی به چشم می‌خورد و آن جدا نبودن بخش کودکان خاص از کودکان عادی بود که خود نقص کار محسوب می‌شد و این کارها به دلیل عدم استفاده مناسب از تکنیک و یا عدم تطابق سن نقاش از دور داوری حذف شدند.

از طرف دیگر تاکید بر تکنیک و مواد اولیه در آثار، بدون توجه به شهر ارسال شده و نقاط محروم خود سبب شد تا کارهایی که از مناطق محروم ارسال شده بود در مقایسه با کارهایی که صاحبان آنها از امکانات بیشتری برخوردار بودند کنار گذاشته شود و به دور نهایی راه نیابند.

اکرم شاندیز برای از میان بردن اختلاف بین مناطق محروم با مناطق دارای امکانات بیشتر پیشنهاد می‌کند چنین آثاری با نگاهی جداگانه بررسی شوند. زیرا در میان این آثار شاید برخی از آنها قابلیت نمایشگاهی نداشته باشند اما از افکار خوبی برخوردارند و ما باید راهکارهایی بیابیم که آنها نیز معرفی شوند و به دلیل محرومیت آثار، افکار خوب حذف نشوند. همچنین باید کودکان معلول جسمی و ذهنی آثارشان جداگانه بررسی شود. البته نظرات این داور هم سبب شد تا در بخش جنبی نمایشگاه آثاری از این دست قرار بگیرند؛ آثاری به عنوان ایده‌های خوب. در بعدازظهر دهم مردادماه داوری پایان یافت و منتظر می‌مانیم تا اجرای اصلی نمایشگاه که در تاریخ دهم تا ۲۴ شهریورماه در مجموعه فرهنگی- تاریخی کاخ سعدآباد شاهد کارهای این کودکان به صورت نمایشگاه عمومی باشیم. اما پیش از برگزاری این نمایشگاه بنا به پیشنهاد کمیسیون ملی آیسیسکو افتتاحیه جشنواره همزمان با هفته فرهنگی آیسیسکو در اصفهان پایتخت فرهنگی جهانی اسلام (۳۰مرداد لغایت ۵ شهریورماه) با حضور مسئولین و سفرای کشورهای خارجی برگزار خواهد شد.

به هر تقدیر باید توجه داشت که هنر می‌تواند دریچه تخیلات کودکان را بگشاید، چشم دلشان را باز کند و سبب غنی‌سازی توانایی آنها شود. باید کودکان را باور کنیم و بگذاریم آنها هم حرف‌هایشان را بگویند و به تصویر بکشند و با قضاوت‌هایی صبورانه و دقت به ظرایف خاص به داوری آثارشان پرداخت.

حاشیه

در صبح روز داوری یکی از مربیان مهدکودکی نقاشی کودکی ۶ساله را به دبیرخانه آورد. ارشیا رضایی روی نقاشی خود نوشته بود:

– مامان من قهر کرده، من هر شب دعا می‌کنم خدا مامان مرا به خانه برگرداند.

– کودک دیگری از خدا خواسته بود به باباش پول بده تا ماشین بخرد.

– نیوشا بهشت خدا را به تصویر کشیده است، حیوانات و فرشته‌ها در بهشت هستند.

– یکی از این کودکان در پشت نقاشی‌اش نوشته اتاقم نامرتب است و خدا ناراحت شده.

– در پشت نقاشی دیگری که کودکی در وسط است و دایره‌های قرمز احاطه‌اش کرده‌اند نوشته شده است این وسط من هستم و دایره‌های قرمز خداست.

جالب اینکه هر کدام از شرکت‌کنندگان می‌توانستند ۴ اثر ارسال کنند و آبتین یکی از بچه‌های شرکت‌کننده بود که ۲۰ اثر پشت‌ورو فرستاده بود. آبتین را به خاطر شرکت مستمر تا روز پایان داوری همه و همه می‌شناختند. او آثارش را با خودکار کشیده بود و آثاری خلاقه و بسیار قوی ارائه کرده بود.

– یکی دیگر از کودکان ۴ تا ۷ سال پشت نقاشی‌اش داستان نقاشی را نوشته بود:

یه روز یه دختری رفت یه جوجه دید. یه فرشته اومد گفت چی می‌خوای، دختره گفت: جوجه را. بعد فرشته به خدا گفت و بعد فرشته اومد و جوجه را به دختره داد.

و امیررضا همراه خواهر دوقلویش و پدر و مادر قرار است به مکه سفر کنند. امیررضا خانه خدا را کشیده که همراه خانواده دارد طواف می‌کند و فرشته‌ها به او نگاه می‌کنند و شیطان که در قفس در بالای خانه خدا زندانی شده.

یکی از آثار راه‌یافته به دور نهایی در گروه ۴ تا ۷ سال

نقاشی

به بهانه نمایشگاه منتخب نسل نو

آنکه له می‌کند

محمدضا شاهرخی‌نژاد

نمی‌دانم مقصر کیست و آیا باید به دنبال مقصر گشت؟ مدرسه‌های هنری را تعطیل کرد؟ یقه استادانی را گرفت که در کارگاه‌های خصوصی‌شان به جای تدریس، خودشان را تکثیر می‌کنند؟ یا به نوع فعالیت نگارخانه‌ها اعتراض کرد که در این چند سال اخیر جایگاه‌شان را با نهادهای دولتی اشتباه گرفته‌اند؟ می‌خواهند سیاستگزاری کنند. قانون وضع می‌کنند. می‌دانم که چهاردیواری اختیاری است اما در این چهار دیوار که نمی‌توانی برای کل عالم هستی تصمیم بگیری، نسل انتخاب کنی و نتوانی آینده‌نگر نباشی که چه اثر مخربی خواهد داشت نماینده معرفی کردن. نقاشی جوان که تا دیروز در کنج کارگاهش یا اتاقش می‌نشست و با رنگ و بوم‌اش بازی می‌کرد حالا «نماینده» نسل شده است. تکان بخورد چنان تکان‌اش می‌دهند که استخوان‌هایش خرد شود. منتخب نسل نو عنوانی کلی است و بسیار گیج‌کننده. چه کسی می‌تواند بگوید اینها نسل آینده را شکل خواهند داد؟ دفعه آینده که نمایشگاه آثارشان برگزار شد و دیگر پسرخاله و نوه عمه نبودند تا کار بخرند، «نماینده» دیگر رای نخواهد آورد و برمی‌گردد سر کار اولش و نقاشی می‌کشد برای دل خودش.

در اینکه نگارخانه‌ها می‌گردند و به دنبال یافتن نقاشان و مجسمه‌سازان و . . . نوجو هستند، شکی نیست که حق دارند. می‌خواهند همانند هنرمندان پویا باشند و نوزا. اما به جای اینکه سرک بکشی در کارگاه‌ها و تشخیص بدهی که در حال حاضر چه کاری با چه کیفیت و کمیتی نیاز جامعه را (با هر نوع سلیقه و ذائقه از هر لایه اجتماعی) ارضا می‌کند، بنشینی و فراخوان بدهی و قانون وضع کنی و جایگاه‌ات را با موزه اشتباه بگیری.

سیحون با تمام آن هیبت‌اش و ید و بیضایش توانست سپهری را نامدار کند. اما حالا چه؟ کدام‌یک از نگارخانه‌های تهران ادعا دارند که می‌توانند هنرمند کشف کنند و پرورش دهند و پشت‌اش محکم بایستند؟ ملاک خوب بودن یا بد بودن اثر، شده است مقدار اسکناس‌هایی که از جیبی به جیب دیگری منتقل می‌شود. دیپلمات‌بازی‌هایی که میان هنرمندان (در سطح استاد) می‌شود با نگارخانه‌ای، تا در نهایت ثمره مذاکرات بشود نمایشگاهی از آثار هنرجوی جوان که در واقع کپی دست هشتم «استاد» است.

چه کسی این نشان لیاقت را به نگارخانه‌ای داده است که خودش را منجی هنر ایران بداند. پول؟ آیا نقدینگی این حق را به دوششان نهاده است. اگر اینچنین باشد که خرید و فروش نقاشی در خیابان ولیعصر بیش از بعضی گالری‌ها است. حتماً نقاش جوان نمی‌داند که برای یک تابلوی کپی قاجار چند میلیون تومان جابه‌جا می‌شود و اگر بداند، لابد به جای نگارخانه‌های شیک به همان مغازه‌های «بازاری» پناهنده می‌شود.

ذکر این نکته را هم لازم می‌دانم که چند وقتی است نگارخانه‌ها به «ارزش» نقد و نقدنویسی و منتقد، پی برده‌اند. البته بی‌شک این رابطه یک رابطه همپوشانی است و بودنش بهتر از نبودنش. اما تمام نقدهای چاپ شده به معنای تایید آثار به نمایش درآمده در گالری‌ها نیست.

البته شاید مقصر گالری نباشد. کم‌کاری دیگران است که رقابت نمی‌کنند یا شاید آرام‌آرام می‌روند و بر این باورند که رهرو آن است که . . .

می‌دانند که عالم هنر بالا و پایین دارد. تغییر مدیریت دارد. دخالت نهادهای دولتی دارد و هزار پیچ و خم دیگر. و برای همین چراغ‌خاموش نزدیک می‌شوند چون رونق دیده‌اند و کسادی. شاید بهتر باشد به نکته‌ای هم اشاره کنم و آن هم مطلبی است که توسط آقای شهروز نظری به تاریخ یازدهم مردادماه در همین صفحه چاپ شد. آقای نظری ادعا می‌کند که غربال تاریخ منفذهای ریزی دارد، حق داوری دارد، رفیق‌بازی و اطوار و ادای متفرعنانه کسی را برنمی‌تابد، ترکتازی، فحاشی و قلدری کسی را نمی‌پذیرد، صبر زیادی دارد و در آخر، کار خودش را می‌کند. . .

نظرشان را جلب می‌کنم به نقدی که خودشان درباره یکی از نقاشان در مجله وزین تندیس نوشتند. چگونه ترکتازی کردند و قلدری کردند برای یکی از جوانان نقاش که خیلی‌ها متفق‌القول هستند درباره‌اش که نماینده واقعی نسلی است و البته هنوز با دودلی نگاهش می‌کنند اما توانمندی‌های نقاش خودش را نشان داده است.

اینکه فتوکپی‌های «یاسر میرزایی» را به نام نقاشی به خورد خلق‌الله بدهی به تاریخ هنر معاصر ما چه کمکی خواهد کرد؟ تاریخی که به رای آقای نظری کند و کساد پیش می‌رود. اگر شهرت صفت ناخوشایندی است پس چرا به بزرگانی ناسزا می‌گویید تا نامتان بر سر زبان‌ها بیفتد و زبان‌ها شهرت بیاورند؟

وقتی صحبت از عبرت می‌کنند بهتر است به جای حواله دادن به بروشورهای دهه چهل، به همین صفحات روزنامه‌های چند سال اخیر نگاه کنند که چند نام وجود داشتند که درباره هنر می‌نوشتند و حالا نیستند.

به جای اینکه با این رفتارهای پدرخوانده‌ای به جان هنر و هنرمند بیفتید، خیلی ساده و بی‌ریا به نقاش جوان بگویید: بوم سفید جای سخنرانی نیست. هنر حرف گنده نمی‌پذیرد. این جنس حرف به پشت تریبون‌ها تعلق دارد. نقاش جوان را راهنمایی کنید که قرار نیست جهان را تکان بدهی و متوجه این باشید که تاریخ همیشه غربال نمی‌کند، گاهی له می‌کند.